پژوهش دینی

Pazhouhesh Dini

شمارهٔ ۴۴، بهار و تابستان ۱۴۰۱
صص ۲۰۷-۲۳۷ (مقاله پژوهشی)

No. 44, Spring & Summer 2022

بررسی آیات تعاملات اجتماعی اسلام با اهل کتاب براساس نظریه کنش کلامی جان سرل با محوریت سوره آل عمران

زهرا هاشمی[۱]، شادی نفیسی[۲]، سیده فاطمه هاشمی[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۴/۲۴ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۵/۱۶)

چکیده

نظریه کنش کلامی یکی از نظریات مطرح در زمینه تحلیل گفتمان و متن‌شناسی است. این نظریه که شاخه‌ای از فلسفه زبان است به بررسی افعال و جملات در موقعیت‌های مختلف می‌پردازد. کاربست این نظریه جدید در تحلیل متون دینی، افق جدیدی را در برابر پژوهشگران این حوزه قرار می‌دهد. سوره آل‌عمران در رابطه با تعاملات اجتماعی اسلام با اهل کتاب موضوعات مختلفی را مطرح می‌کند. بسیاری از آیات این سوره به بررسی ویژگی‌های فکری و رفتاری نادرست اهل کتاب در گذشته و حال می‌پردازد. رویکرد این پژوهش، توصیفی- تحلیلی است که از الگوی کنش کلامی جان سرل برای تحلیل جملات مربوط به این تعاملات استفاده می‌گردد. پیام اصلی آیات در قالب این کنش‌ها، نظام ارزشی جدیدی را بیان می‌کند. خداوند همه پیروان ادیان الهی را در تعامل با یکدیگر به سمت و سوی وحدت ادیان برای هرچه بهتر شدن جامعه، خواه به صورت توصیه، پیشنهاد یا حتی هشدار، ترغیب نماید. غالب این کنش‌ها به صورت غیرمستقیم است و به دلیل عمق معانی جملات، برای برخی آیات می‌توان چندین کنش را در نظر گرفت. نتایج تحقیق نشان دهنده آن است که از میان کنش‌های پنجگانه سرل، کنش ترغیبی و کنش عاطفی درآیات تعاملات اجتماعی اسلام با اهل کتاب به نسبت سایر کنش‌ها، وجه غالب است. دلیل این بسامد بالا، آن است که تعلیل توصیف آگاهی بخش از یک سو حاکی از آن است که اراده الهی منطبق بر گفتمان ارشاد و ارتقای فهم مخاطب است و از سوی دیگر نشان دهنده این است که گوینده قصد دارد تا مخاطب به بهترین نحو تعامل مسالمت آمیزی با سایر ادیان الهی داشته باشد. هدف این تحقیق، تحلیل آیات مرتبط با تعاملات اجتماعی مسلمانان با پیروان اهل کتاب در سوره آل عمران با تاکید بر الگوی کنش کلامی جان سرل می‌باشد.

کلید واژه‌ها: *تعاملات اجتماعی، سوره آل‌عمران، اهل کتاب، کنش‌های کلامی، جان سرل.*

---

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Mahtahashemi1@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛
shadinafisi@ut.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛
Dr.fat.hashemi@gmail.com

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

۱- مقدمه

زبان به مثابه جولانگاه اندیشه و نمود فرهنگ و کنش‌های بشری از اهمیتی ویژه در مباحث و مطالعات اجتماعی برخوردار است. زیرا ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی افراد و جوامع را می‌توان از راه زبان تشخیص داد، به خصوص در روند گفتگوهای میان افراد که می‌تواند نمونه ای کامل و مشخص از افکار و فرهنگ جوامع، در بافت زمانی و مکانی ویژه باشد (صفوی، ۱۵).

در عصر حاضر مباحث زبانی و رابطه میان زبان و اندیشه و چگونگی تاثیر متقابل این دو بر یکدیگر در بسیاری از موضوعات در علوم مختلف از فلسفه و زبان‌شناسی گرفته تا هنر و ادبیات وارد شده است. با وارد شدن مباحثی چون زبان متون دینی و هرمنوتیک، پای مباحث فلسفه زبان و زبان‌شناسی به الهیات و تفسیر متون دین باز شده است. طرح این مباحث در الهیات مسیحی و اسلام، چالش‌ها و شبهاتی به دنبال داشت و در عین حال راهگشای برخی از معماهای فراروی متخصصان این فن گردید. بی شک وارد شدن به این عرصه و تلاش برای زدودن ابهامات با ابزارها و علوم سنتی و بدون آگاهی داشتن از زبان و فنون جدید، راه به جایی نمی‌برد.

در فضای علمی- دینی کشور علیرغم تلاش‌های انجام شده، هنوز جای این‌گونه مباحث خالی است. در این میان فضای متون وحیانی، به ویژه آیات مرتبط با تعاملات اجتماعی اسلام با اهل کتاب در سوره آل عمران می‌تواند نمایانگر این عرصه‌ها و کنش‌های اجتماعی افراد، در بافت زمانی و مکانی متفاوت باشد. نظریه کنش‌های گفتاری به دلیل اهمیت دادن به بخش مفهومی و معنایی گفتار با توجه به بافت زمانی و مکانی، می‌تواند بستری مناسب برای دریافت موقعیت‌ها و کنش‌های آیات مورد بحث در موقعیت‌های متفاوت باشد. از همان ابتدای نظریه کارگفت در میان فیلسوفان زبان، متکلمان و نظریه پردازان الهیات مسیحی و مفسران کتاب مقدس، نگاه ویژه‌ای به این نظریه داشتند و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

سعی نمودند از نتایج این نظریه در فهم و تفسیر کتاب مقدس و ارائه دیدگاه‌های جدید در تبیین ماهیت زبان دینی و مساله و معناداری مفاهیم دینی استفاده گردد (سعیدی روشن ۳۰).

بازخوانی این آیات با هدف دستیابی به گفتمان قرآن و خوانشی نو از آیات تعاملات اجتماعی مسلمانان با اهل کتاب با استفاده از رویکردهایی مانند نظریه کنش گفتاری این امکان را به محقق می‌دهد تا از زوایای گوناگون به مسئله پژوهشی خود بنگرد و زوایای ناپیدای متن را واکاوی کند. بر این اساس پژوهش حاضر که به روش توصیفی- تحلیلی صورت گرفته است، در پی آن است که نشان دهد بررسی آیات مورد بحث براساس نظریه کنش گفتاری چه نتایجی را در بر دارد. استفاده از این روش در مراحل ابتدایی خود قرار دارد.[۱]

پژوهش حاضر درصدد است باشد که با توجه به بافت و سیاق سوره آل عمران، به چگونگی تعاملات اجتماعی مسلمانان با پیروان اهل کتاب دست یابد و سپس با توجه به آنچه به دست آمده روشن شود که بسامد بکارگیری کنش‌های گفتاری در این آیات چگونه است و همچنین این روش برای خوانشی روشمند از آیات چه کمکی می‌کند.

۱-۱. تبیین مفهوم کار گفت

نظریه کارگفت یکی از مهمترین و مفصل‌ترین مباحثی است که در سال‌های اخیر در کاربردشناسی مطرح شده است. تحلیل کار گفتی زبان همچون موارد قبلی، فراتر از سطح گفتن واژگان و ساختارهای نحوی و معناشناسی حاکم بر آن است و وابستگی غیرقابل

---

۱. تحقیقی تحت عنوان "تحلیل متن شناسی زیارتنامه امام رضاؑ بر پایه نظریه کنش گفتار" انجام شده (پهلوان نژاد و رعب‌زاده، ۱۳۸۹) که در این تحقیق، دلایل برقراری ارتباط عاطفی مخاطب با زیارتنامه امام رضاؑ، از منظر نظریه کنش گفتار بررسی شده است. همچنین در تحقیق دیگری،"مبانی تحلیل کارگفتی در قرآن کریم" به رشته تحریر درآمده است (صانعی‌پور، ۱۳۹۰). محقق در این اثر، ضمن معرفی دانش کاربردشناسی و اثبات امکان استفاده از آن در تفسیر قرآن به ذکر نمونه‌ای از آیات قصص قرآن پرداخته و افعال گفتاری و ادب گفتاری این آیات را با توجه به مخاطبان این آیات ترسیم کرده است.

در مقاله‌ای تحت عنوان "تحلیل متن شناسی سوره بقره بر اساس نظریه کنش گفتار" به بررسی کنش‌های گفتاری بر پایه نظریه سرل پرداخته شده است (زارع و برزگر، ۱۳۹۲) و بسامد کنش‌های گفتاری را به روش توصیفی-تحلیلی ارزیابی گردیده است. نتیجه این تحقیق این است که، کنش اظهاری وترغیبی، بیشترین کاربرد را در این سوره دارند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

انکاری با بافت در همه سطوح و اقسام آن دارد.

کارگفت‌ها یا کنش‌های گفتاری، نظریه‌ای است که سرل، لانگ شاو، آستین (۱۹۶۲) فیلسوف مشهور زبان مطرح نمود و سپس توسط افرادی نظیر "جان آر سرل[1]" توسعه یافت و بعدها توسط زبان شناسان به علم زبان شناسی و به طور خاص، در کاربردشناسی وارد شد. انگیزه اصلی آستین در طرح این نظریه، مخالفت با نظریه "صدق گرایی" بود که توسط منطق دانان اثبات گرا یا طرفداران پوزیتویست منطقی برای ملاک معناداری جملات مطرح شده بود. در آن زمان، مبنای نگرش فیلسوفان تحلیلی زبان، معروف به حلقه وین به جملات معنادار بر سه اصل استوار بود: ۱- جملات خبری، گونه اصلی جملات زبان اند؛ ۲- کاربرد اصلی زبان، اطلاع دادن از طریق جملات است؛ ۳- صدق یا کذب معنی پاره گفتارها را می‌توان تعیین کرد.

بر اساس این سه اصل، آن‌ها بر این اعتقاد بودند که ملاک معناداری، ملاک در اثبات پذیری و امکان صدق و کذب آن‌هاست. از نظر پوزیتویست‌ها، گزاره‌های زبانی یا توصیفی‌اند یا ارزشی، گزاره‌های ارزشی تجربه‌پذیر نیستند؛ بلکه صرفاً احساسات و عواطف شخصی را اظهار می‌کنند و از این‌رو، این گزاره‌ها معنادار نیستند؛ اما گزاره‌های توصیفی نقش مهمّ و اساسی زبان که نشان دادن و نمایاندن واقعیت است را به عهده دارند (سعیدی روشن، ۵۰).

آستین، نظریه کارگفت‌ها را برای تحلیل همه اظهارات زبانی مطرح کرد. او در این نظریه سه سطح متفاوت از افعالی که در نتیجه هر اظهاری انجام می‌گیرد، برشمرد. او معتقد است که هرگاه گوینده یا نویسنده‌ای جمله‌ای را بر زبان جاری می‌کند، بطور همزمان به انجام سه عمل یا کنش مبادرت می‌ورزد که عبارتند از: کنش بیانی، کنش غیربیانی یا منظور شناختی و کنش پس بیانی یا تأثیری (Austin, 14).

منظور از کنش بیانی، همان واژگان و جمله‌هایی است که گوینده ادا می‌کند و دارای

1. John Searle

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

معنای خاصی هستند. کنش غیربیانی، عبارتند از منظوری کـه گوینـده از اظهـار آن جملـه داشته و انتظاری که برای تأثیر گذاری بر روی مخاطب دارد و کنش پس بیانی یـا تـأثیری همان عکس‌العمل و کاری است که مخاطب انجام می‌دهد و می‌تواند مطابق انتظـار گوینـده باشد یا نباشد؛ برای مثال اگر گوینده به مخاطب بگوید: "پنجره را ببند" ادا کردن این جمله و ادای کلمات معنادار، همان کنش بیانی است. منظـور گوینـده از ایـن جملـه امـر کـردن مخاطب به انجام کاری بوده که کنش منظور شناختی است و اگر شنونده پنجره را ببندد، در واقع، گوینده با این سخنش باعث کنش پس بیانی یا تأثیری شده است. البته لازم به تـذکر است که محور تحلیل در نظریه کـارگفتی آسـتین، سـطح دوم تـأثیر، یعنـی کـنش منظـور شناختی یا تأثیری است (صانعی‌پور، ۲۵).

عـــلاوه بـــر مـــوارد مـــذکور، زبان شناسان، موضـــوع مســـتقیم و غیرمســـتقیم را در مـورد کار گفـت‌هـا بیـان کردنـدکه بیشـتر درخواست‌ها یا کارگفـت‌هـا بـه خصـوص ترغیبی، به‌طور غیرمستقیم بیان مـی‌شـوند (Chapman, 78). برای مثال، گاهی یـک جملـه پرسشی است اما به عنوان "امـر" بـه کـار می‌رود. در قـرآن نیـز آمده است: "آیا دانایـان با نادان‌ها برابرند" (الزمر، ۹). یعنی با ایـن پرسـش بـرای شـــنونده، دانایـــان تشـــویق و نادان‌ها تحقیر و سرزنش می‌شوند.

۱-۲. نظریه کنش‌های کلامی جان سرل

"جان سرل"، از شاگردان برجسته آستین بعد از مرگ وی بیشترین تلاش را در بسط و اصلاح نظریه کارگفت‌های استادش انجام داد. او معتقد است که کـنش گفتـاری مبتنـی بـر ظرفیت‌های اساسی ذهن است که از رهگذر حالت‌های ذهنی همچون باور تمایـل نظـایر و به ویژه از طریق عمل و ادراک آن رابطه ارگانیسم را با جهان برقرار می‌کند (سرل، ۷).

در الگویی که سرل ارائه کرده است، اطلاعاتی که توسط افعال و جمله‌های معادل آن‌ها تبادل می‌شود، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. تفاوتی که او در نظریه آستین ایجـاد کـرد، ایـن

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

بود که دسته‌بندی پنج‌گانه صریحی از افعال برای تعیین گفتارها و پاره گفتارها ارائه نمود. دسته‌بندی که سرل از کنش‌های گفتار در قالب پنج طبقه مطرح کرده از این قرار است: کنش اظهاری، کنش ترغیبی، کنش عاطفی، کنش تعهدی و کنش اعلامی. طبقه‌بندی سرل موثرترین طبقه‌بندی ارائه شده تاکنون است، زیرا طبقات به هیچ‌وجه انحصاری نیستند به گونه‌ای که یک پاره گفتار می‌تواند انواع مختلفی از کنش را در برداشته باشد (Vershueren, 24).

در ادامه به صورت کلی، به بافت موقعیتی و پیرامونی[1] در دانش زبان‌شناسی که متناظر آن در تراث اسلامی، سیاق حالی یا معنوی است، پرداخته می‌شود و سپس بر اساس الگوی کنش کلامی سرل، آیات تعاملات اجتماعی با اهل کتاب با استفاده از مولفه‌های پنج گانه سرل، مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

۱-۳. بافت موقعیت سوره آل عمران

سوره آل عمران، دومین سوره مدنی در سال سوم و به اعتقاد برخی دیگر سال چهارم هجرت است. در ترتیب نزول، هشتاد و نهمین سوره قرآن می‌باشد (ابن عاشور، ۵/۳).

سوره آل عمران یکی از سور "المیمات" با محور موضوعی مشترک "نحوه تعامل مسلمانان با غیرمسلمانان" است، ضمن این که سوره بقره (زوج سوره آل عمران) عمدتا نحوه تعامل با یهودیان را بیان می‌کند، در حالی که سوره آل عمران بیشتر بر روابط مسلمانان با مسیحیان و در عین حال یهودیان متمرکز می‌شود و بیشتر جنبه‌های عاطفی و کاربردی این تعامل را طرح می‌کند تا جنبه‌های نظری و شناختی (لسانی فشارکی، ۱۲۷).

محور سوره آل‌عمران را آیات اول تا پنجم سوره بقره بیان می‌کند، چنانکه با حرف مقطعهٔ "**الم**" آغاز شده و با "**أُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ**" پایان می‌یابد. به طور مشابه، سوره آل‌عمران با حروف مقطعهٔ "**الم**" آغاز شده و با عبارت "**لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ**" خاتمه می‌یابد

1. Context of situation

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

(حوّی، ۶۷۴/۱). این سوره به دوران پرتنش جنگ بدر و احد مربوط است. از یک طرف در اثر فتنه‌جوئیهای یهود و نصارا در داخل جمعیت خود، با درگیریها و فتنه و آشوبها روبرو بودند، فتنه‌هایی که تشکل آنان را سست می‌کرد، باید برای خاموش کردن آشوبهای آنان قسمت عمده‌ای از وقت خود را صرف احتجاج با آنان کنند، و از سوی دیگر با مشرکین درگیر بودند، و لحظه‌ای امنیت نداشته باشند، چون در آن ایام اسلام در حال انتشار بوده و آوازه‌اش همه جا را پر کرده بود، و مردم دنیا چه یهودش و چه مسیحیش و چه مشرکش همه علیه اسلام قیام کرده بودند. (علامه طباطبایی، ۶/۳).

اجزاء اصلی سوره شامل تمهید موضوع از آیات ۱ تا ۳۲ و هسته روایی از آیات ۳۳ تا ۶۲ می‌شود. هرکدام از آن‌ها در بافتی است که حاکی از مشاجره با اهل کتاب است، قرار دارند. در آیات ۶۳ تا ۹۹ بخشی جلب نظر می‌کند که در آن به طور مستقیم اهل کتاب مورد خطاب قرار می گیرند که گفتمانی سیاسی- دینی غالب است که مضمون آن انتقاد از یهودیان و مسیحیانی است که خود را ممتاز می دانند، از جمله کسانی از آن‌ها که متهم به تحریف کتاب هستند. از آیه ۱۰۰ به بعد تا پایان سوره، روی سخنِ قرآن به مؤمنان برمی گردد.

با توجه به فضای نزول سوره آل‌عمران، می‌توان "بیان راهکارهای ایجاد و تقویت انسجام درونی جامعه دینی و کسب آمادگی لازم برای مقابله با دشمنان نظامی و فرهنگی" را مقصود و غرض اصلی سوره دانست. از آنجا که سوره آل‌عمران در شرایط خاص سیاسی و اجتماعی پس از جنگ احد نازل شده است و در آن شرایط بقای جامعه اسلامی در گرو تقویت انسجام دینی بود، بخش مهمی از این سوره، یعنی آیات ۱۲۹-۱ به بیان سازوکارهای تقویت و گسترش انسجام و اتحاد دینی مسلمانان اختصاص یافته است (خامه گر، ۵۷). چرا که یهود از زمان گسترش اسلام در مدینه بر دشمنی و کینه های خود افزودند. گسترش فرهنگ امت واحده با دستور صریح قرآن و پیمان نامه های عمومی پیامبرﷺ شروع شد. این پیمان نامه‌ها برای سروسامان دادن اوضاع اجتماعی،

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

سیاسی، فرهنگی، تحکیم وحدت اجتماعی و ایجاد نظم شهروندی بود که بین انصار و مهاجر و یهودیان بسته شد (ابن هشام، ۵۰۱/۱). علاوه برآن، عملیات نظامی با هدف اقتصادی و سیاسی نیز اتفاق افتاد (یعقوبی، ۴۴/۲).

کنش‌گران آیات مورد بحث ۴ دسته هستند:

۱- خداوند

۲- پیامبرﷺ

۳- مومنان مسلمان و یا اهل کتابی که قلبا معتقد به یگانگی خداوند بودند و علاوه بر ایمان به نبوت پیامبرﷺ به پیامبران سابق نیز معتقد بودند. خداوند اینان را به عنوان صالحان معرفی می‌کند.

۴- اهل کتاب که برخی مومن و برخی دیگر از معاند و ستیزه جو، که همیشه در پی دشمنی و آسیب رساندن به مومنان بودند. اینان دارای صفاتی مانند دروغگویی، متظاهر به ایمان، مکار و حیله گر و همین‌طور ادعای بهترین ملت را داشتند. کسانی که با انذار و بیم و هشدار ایمان نیاوردند و در واقع آنان رؤسای کفر و شرک و غالبا از یهودیان بودند.

در شیوه متداول تفاسیر، بیشتر به نکات ادبی و مفهوم واژه‌ها و آیه‌ها به صورت مستقل پرداخته می‌شود، اما در این پژوهش لازم است که برای تشخص موضوع سوره، کلیت محتوا مورد بررسی قرار گیرد.

۲- بازیابی کنش‌های گفتاری در آیات تعاملات اجتماعی اسلام با اهل کتاب

برای رسیدن به کنش‌های گفتاری در آیات سوره آل عمران، بیش از بیست و پنج آیه که به طور صریح و غیرصریح به این‌گونه تعاملات اشاره دارند، بررسی گردید که شرح آن در این نوشتار نمی‌گنجد. با این حال برای نشان دادن آنچه به دست آمد، به بیان چند نمونه اکتفا کرده تا زمینه برای کاربست الگوی کنش‌های گفتاری در دسته بندی این آیات آماده شود.

بررسی آیات مربوط به اهل کتاب نشان می‌دهد که مباحثات آن‌ها با مسلمانان تنها یک

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

بحث علمی و عقیدتی نبوده است، بلکه آنان درصدد بودند با طرح ایـن مباحـث در ایمـان مسلمانان خللی ایجاد نمایند و آن‌ها را به گمراهی بکشانند. آیات ۶۹ تا ۷۱ آل‌عمـران بـه خوبی این نقشه آن‌ها را افشا می‌کند.

۲-۱. کنش‌های اظهاری[1]

کنش‌های اظهاری، نشان دهنده باور گوینده از درستی اوضاع امور است. اظهاراتی چـون بیان واقعیت تصدیق نتیجه‌گیری و توصیف نمونه‌هایی از کنش‌های گفتاری‌انـد کـه گوینـده از طریق آن‌ها دنیا را آنچنان که هست یا آنچنان که باور دارد، نشان می‌دهد (یول، ۷۳).

برای نمونه در آیه ۳ «**نَزَّلَ عَلَیکَ الکِتَابَ بَالحَقِّ مُصَدِّقاً لَّما بَـینَ یَدَیـهِ وَأَنـزَلَ التَّـورَاهَ وَالإنجِیل**». که در باره فرستادگان و سران مسیحیان نجران بـه مدینـه نـازل شـده اسـت و پیامبرﷺ پیشنهاد کرد که به آیین اسلام در آیید و در پیشـگاه خداونـد تسـلیم گردیـد و گفتگو و مناظره از اینجا شروع شد (قرطبی، ۵/۴). گوینده می‌خواهد بیان کند که قرآن نیـز مانند کتاب‌های دیگر وحیانی است. در واقع کنش اظهاری، محتوای گـزاره را بـا جهـان و محیط مطابقت می‌دهد. عبارت «**نزّلَ علیک الکتاب**» در آغاز آیه سوم از نظر نحوی خبـر و گزاره برای عبارت «**الله لا إله إلاّ هو الحیُّ القیُّوم**» (آل‌عمران، ۲) به حساب می‌آید و لذا بـین آیـه دوم و سـوم پیونـد اسـتوار و محکمی برقرار است؛ چرا که هر دو آیه ایـن معنـا را می‌رساند که خداوند بی همتای زنده و قیّوم، این کتاب را بر تو نازل کـرده اسـت. پیونـد این بخش با جملات بعدی «**وأنزَلَ التّوراةَ و الإنجیلَ مِن قبلُ هُدًی لِلنّاسِ و أنـزَلَ القـرآن**» با حرف عطف "و" است و پیوستگی معنایی نیز در آنها آشکاراست و در مجموع به عنوان مقدمه یا دلالت اجمـالی بر تمام مطالب سوره است (خدایاری، عبداللهی، ۱۳۹۶) از حیـث زبان شناسی، اشاره به این داستان‌های گوناگون اما به لحاظ مفهـومی مـرتبط، آیـات ایـن سوره را از حیث متنی به هم پیوند داده و آن‌ها را به لحاظ مضمونی منسجم کرده است.

1. Representatives

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

مؤمنین وقتی متذکر این معانی بشوند آن وقت یقین می کنند که هم او این کتاب را که هـادی به سوی حق، فارق و ممیز میان حق و باطل است، نازل کرده و نیز می فهمند که خـدای تعـالی در فرستادن این کتاب و هدایت خلق به سوی حق و جدا سازی حق از باطل همـان روشـی را جاری ساخته که در عالم اسباب و ظرف اختیار جاری ساخته است (علامه طباطبایی، ۶۱/۳).

کنش اظهاری در مقام توصیف و تصدیق کتاب‌های پیشین اسـت. خداونـد دعـوت بـه یکتاپرستی کرده است و ضمن اشاره به کتاب‌های پیشین و تصدیق آن هـا، بـه حـق بـودن کتاب قرآن اشاره کرده و بیان می‌کند که همه این کتاب‌ها از یک منبع مـی‌باشـد (مدرسـی، ۵۰۷/۱). کنش اظهاری در لایه غیرمستقیم، بیان مصـداقی بـرای دو گـروه اهـل کتـاب و مسلمانان است که در جملات بعد کنش اظهاری در بیان عاقبت در لایه غیرمسـتقیم خـود، مخاطب کنونی گفتمان را در قالب کنش تعهدی، او را از مرتکب شدن بـه عملـی کـه اهـل کتاب انجام دادند که همان تکذیب نبوت و کتاب قرآن است، برحذر می‌دارد.

۲-۲. کنش‌های ترغیبی[1]

هدف "کنش ترغیبی" ترغیب مخاطب برای انجام کاری و قرار دادن شنونده در حالـت تکلیف و اجبار برای انجام عملی است، یعنی گوینده می‌خواهد شنونده کاری انجـام دهـد. گوینده سعی می‌کند کاری کند که چیزهایی انجام شود و جهان را با محتوای گـزاره‌ای کـه شامل عمل آینده شنونده است، تطبیق بدهد (یول، ۵۴). گاهی از کارگفت عاطفی، اظهـاری استفاده می‌شود، اما منظور، کارگفت ترغیبی است.

به عنوان مثال در آیه ۶۱ سوره آل عمران، «مَنْ حَاجَّکَ فِیهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَکُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَکُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْکَاذِبِینَ». این آیه به دنبال آیات قبل و استدلالی کـه در آن‌هـا بـر نفـی خـدا بـودن حضرت مسیح علیه‌السلام شده بود، و در قالب صیغه امر به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دستور می‌دهد: "هرگاه بعـد

1. Directives

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

از علم و دانشی که در باره حضرت مسیح﵇ برای تو آمده، کسانی با تو در آن به محاجّه و ستیز برخاستند، به آن‌ها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت می‌کنیم و شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت می‌نماییم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت می‌کنیم، شما هم از نفوس خود دعوت کنید، سپس مباهله می‌کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می‌دهیم". وقتی این آیه نازل شد، پیامبرﷺ، علی، فاطمه، حسن و حسین﵈ را دعوت کرد و گفت: خدایا! اینان اهل‌بیت﵈ من هستند (ابوحیان، ۱۸۸/۲).

به این دلیل که در مقام محاجه با سرزنش کنندگان است، می‌تواند از نوع کنش ترغیبی برای اقناع کردن باشد. به واسطه قرائن متعدد کنش ترغیبی و فعل انجام گرفته تهدید است. مقام، مقام استدلال و اثبات ربوبیت خداوند است و با گفتن آن عمل اثبات توحید ربوبی خداوند محقق می‌شود.

کنش غیربیانی این سخنان، در واقع همان اثبات حقانیت و استمرار ولایت الهی است. خواننده با دید علم کاربردشناسی و بافت زبانی و ذکر هر یک از این فضائل، حوادث و اقوال، به این ایدئولوژی دست می‌یابد که لازمه شجرهٔ اسلام، ولایت است.

با توجه به فضای متن و نیز سیاق و بافت کلام و از منظر کاربردشناختی دیده می‌شود که کنش منظوری آیه شریفه، بیان احکام الهی نیست، بلکه در واقع در راستای آیات قبلی بکار گرفته شده و فضیلت اهل بیت را در لفافه و با کنش ضمنی به مخاطب گوشزد می‌کند. به همین جهت می‌توان گفت این کنش ، حکایت از آن دارد که پیامبرﷺ علاوه بر به رخ کشیدن منطق گفتگوی مسالمت‌آمیز و استقبال از گفتگوی عقلانی علیرغم در اوج شکوه قدرت سیاسی و نظامی بودن، چهره‌های درخشان مکتب اسلام را نیز معرفی می‌کند. غالب مفسران، شخصیت‌های والامقامی را که در رأس آن‌ها جان پیامبرﷺ، یعنی علی بن ابی‌طالب﵇ قرار دارد را بیان کردند (بیضاوی، ۲۰/۲؛ علامه طباطبائی، ۲۹۵/۲).

کنش مستقیم امر در مواردی از آیات برای بیان ارشاد و راهنمایی بکار رفته است. بعنوان نمونه در آیه ۶۴: «**قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ**» غرض

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

کنشی از صیغه امر در (تَعَالَوْا) ارشاد و راهنمایی است.گوینده در صدد امـر کـردن قـومش نیست بلکه هدف وی راهنمایی کردن آن‌ها به یکتاپرستی است تا ربوبیت خداوند در میـان همه اهل کتاب گسترش بیابد.

سـیاق موضـوع این آیـه در بارهٔ اعتقادات مسـیحیان و یهودیـان در زمینـه توحیـد است که مسیحیان معتقد بـه تثلیث بوده‌اند و یهودیان عزیـر را فرزنـد خدا می دانستند کـه ایـن همـان شـرک و عدم توحید است آنـان بـدون قیـد و شـرط از دانشـمندان خـود اطاعت می کردنـد و ایـن عبادت و پرستش است. خداوند در این آیه آنـان را بـه توحیـد کـه اصـل مشترک میان تمـام ادیـان اسـت دعـوت کـرده اسـت؛ چـرا کـه مسـیحیان و یهودیـان میان اعتقادات خود و توحید تفاوتی قائل نمی شدند، و در این آیه اصـل توحیـد را برای آنان بیان کـرده و توحیـد اصـیل را نشان داده اسـت (طبرسی، ۷۶۷/۲).

آیات ۶۳ تا ۹۹ این سوره به بررسی ویژگی‌های فکری و رفتاری نادرست و غیرحقیقی اهـل کتـاب و دیگر کافران و مشرکان در گذشته و حال مـی‌پـردازد (خامـه گـر، ۵۷). بـا توجه به سیاق و سبک آیات این مجموعه، مشخص می‌شود که افکار و رفتـار غلـط اهـل کتاب دسته بندی شده و هر مجموعه با فعـل امـر "قُل" خطـاب بـه پیـامبرﷺ و عبارت "یا أهل الکتاب" خطاب به یهودیان و مسیحیان آغاز شده است که محتـوای همـه آن‌هـا بـا غرض اصلی سوره یعنی آموزش علم حقیقی نسبت به وحدانیت خداوند متعال و دعوت به پرستش خـدای یگانه، متناسبند و با هم کاملا پیوند دارند و عامل پیوند بـین آن‌هـا نیـز همین عبارت **"قـل یـا أهـلَ الکتـاب"** است.

کنش ترغیبی از نوع امر به اشتراک "کلمه سـواء" اسـت. بحـث توحیـد و مراتـب مختلـف فردی و اجتماعی آن و تبیین چگونگی برخورد با مخالفان حق از مـواردی اسـت که پیامبرﷺ مامور ابلاغ آن شده است. قرآن در تعامل با اهـل کتـاب ابتـدا راه سـتیز را انتخاب نکرده، بلکـه تاکید بر نکته اشتراک یعنی وحـدت ادیـان در مسـئلهٔ عبودیـت پروردگـار گذاشـته است و همچنین اشاره به جنبه عملی ادیان که همان عـدم شـرک و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

تسلیم شدن در برابر خدا داشته است. آیه متضمن مفهوم صلح و روابط مسالمت آمیز است که ناشی از مبانی اساسی ادیان است و بحث وحدت ادیان و گفتگوی ادیان را که براساس مبادی مشترک استوار است، در برمی‌گیرد.

جمله‌های پرسشی از جمله کنش‌های ترغیبی می‌باشند. آیات ۶۵ تا ۶۸ سوره آل عمران محاجه یهود و نصاری بر مساله‌ای که علمی به آن نداشتند یعنی در باره یهودی بودن و یا نصرانی بودن ابراهیم بود واز اینکه این علمشان لازمه‌ای دارد، غفلت داشتند وآن این است که ابراهیم﵇ نمی‌تواند یهودی و نصرانی باشد، بلکه بر دین خدا است، یعنی اسلام و تسلیم خدا شدن (علامه طباطبایی، ۳۹۸/۳) در آیه ۶۵ «**يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنْزِلَتِ التَّوْرَاةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ**» عبارت « **أَفَلَا تَعْقِلُونَ**» استفهام حقیقی نیست و غرض از آن تحذیر می‌باشد. برخی از مفسران، این استفهام را بطور غیرمستقیم دلالت بر هشدار دادن اهل کتاب نسبت به اشتباه دانسته اند (ابن‌عاشور، ۱۷/۳)، می‌توان از این استفهام، کنش تنبیه و خطابی طعن‌آمیز نیز برداشت کرد. چراکه استفهام انکاری یکی از شیوه‌های مقابله اسلام با اهل کتاب است که با این روش توبیخی ملایم، آن‌ها را به سمت تعقل و تفکر سوق می‌دهد (فضل‌الله، ۸۶/۶).

در واقع خداوند در این آیه هشدار و توجه می‌دهد که اهل‌کتاب، هدایت را فقط در یهود و نصاری بودن می‌دانند، اما تسلیم شوندگان خداوند، آیین ابراهیم﵇ را که دینی میانه است، پیروی می‌کنند. در این آیه با طرح موضوع، مسیحیان را نسبت به تفکری که دارند، مورد نقد قرارداده و اشاره به تعقل و اندیشه می‌کند. چرا که نگاه عقلانی، آن‌ها را به وحدانیت خداوند و رسیدن به همدلی و همگرایی با اسلام هدایت می‌کند.

جملات توصیفی در سیاق‌ها و موقعیت‌های مختلف در غالب مواضع بصورت کنش غیرمستقیم برای معانی و اغراض متفاوت بکار می‌روند. در آیه ۷۵: «**وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِقِنْطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ**»

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

خداوند ویژگی اهل کتاب را متفاوت بیان کرده است عده‌ای که بـه تبعیـت از احبـار خـود معتقدند که سیادت و تقدم یهود امری جنسی است پس اینـان آگاهانـه خیانـت در امانـت می‌کنند و اما از طرفی عده‌ای دیگر از یهود را که معیارشـان تقـوا باشـد را از محبوبـانش دانسته است. در این آیه انسان را به عمل صالح ترغیب مـی‌کنـد و نـژاد پرسـتی را عملـی مذموم می‌داند (مدرسی، ۵۹۱/۱).

کنش گفتاری در آیه فوق از قبیل کنش ترغیبی از نوع توصیفی است. پس از سخنی که خداوند در بیان اوصاف عده‌ای از اهل کتاب در باب خیانت در امانت بیان کرده، انسـان‌هـا را به داشتن چیزی که دوستی خداوند را به همراه داشته باشد، تشویق و ترغیـب و تشـویق می‌نماید، قابل ذکر است که این‌گونه عملکردها و اوصاف به علت تفاوت‌های شرایط فردی و اجتماعی از آن‌ها نیست، بلکه به این سبب است که آن‌ها به برتر بودنشان نسبت به اقـوام دیگر معتقدند (علامه طباطبایی، ۴۱۳/۳) در عین حال توبیخ نسبت به افرادی که دارای این خصوصیات هستند، انجام گرفته است و نیز برای بیان حکم عمومی در باب اخلاقیـات بـه همه مردم در همه اعصار می‌باشد.

از این‌رو، قرآن در برخورد با اقلیت مؤمن اهل کتاب به منظور رعایت عدالت و احتـرام به حقوق ایشان، ضمن توصیف برخی ویژگی‌های مثبت آن‌ها، خاطر نشان ساخته که نبایـد نسبت به همه آن‌ها نگرشی یکسان داشت. افزون بر آن، این آیات از رفتار مشابه مسلمانان با دیگران هم نهی می‌کند، یعنی به صرف اینکه مسلمانند، از رفتار و شـیوه غلطشـان نبایـد چشم‌پوشی کرد.

در ادامه نکوهش رفتارهای نادرست علمای اهل کتاب، خداوند در آیـه ۷۸، دروغ بسـتن به خدا را اینچنین بیان نموده است. "**وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْـوُونَ أَلْسِـنَتَهُمْ بِالْكِتَـابِ ... وَيَقُولُـونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ**". کارگفت ناشی از این جمله کنش ترغیبی و از نـوع نکـوهش عالمان اهل کتاب است که "به نفع خودشان کتاب آسمانی را تحریـف مـی‌کننـد" (ابـن‌کثیـر، ۵۶/۲). در حقیقت خداوند با بیان این وصف دروغگویی یهودیان و انتساب آن به خداوند در

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

پی برحذر داشتن انسان‌ها از متابعت غیرمسلمانان است. بنـابراین کـنش غیربیـانی تحـذیر و کنش پس بیانی آن که از مخاطبان انجام آن انتظار می‌رود، پیروی نکردن از احبار یهود است.

در آیه ۸۳ **"أَ فَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَـنْ فِـي السَّـماواتِ وَ الْـأَرْضِ طَوْعـاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُون"** کنش ترغیبی آیه که بصورت استفهام می‌باشد بطور غیرمستقیم بـرای بیان توبیخ بکار رفته است.

پس از آن که آیات قبلی که ویژگی‌هـای اهـل کتـاب ، تحریـف آنهـا از کتـاب خـدا، تفسیرهای بد آن‌ها و عدم تحقق عهدی را که خداوند با آنها بست ، ذکر شد ، این آیات بـرای نکوهش آن‌ها بیان شد (دروزه، ۱۸۴/۷). در واقع این جمله تاکید میثـاقی اسـت کـه در آیـه قبل، سخن از گرفتن آن داشت و استفهام توبیخ و تحذیر است (ابن‌عاشور، ۱۴۶/۳). از حیـث کاربردشناسی برون داد رفتاری ناشی از آن را متذکر و نتایج عملـی آن را در دنیـا و آخـرت بیان نموده است. اصرار و تاکیدی که در آیه فوق در باره گرفتن عهد و پیمان مؤکد از انبیـاء و امت های پیشین نسبت به انبیای آینده شده است، گویا برای اجتناب و احتراز از تعصب‌هـا و جمودها و لجاجت‌ها بوده است. نکته مهم این است که "دین" نباید منشـأ دشـمنی و نفـرت باشد، همانطور که بعضی از اهل کتاب تحت تاثیر این آیه، تقریبـاً پـس از آنکـه پیـامبرﷺ، آن‌ها را به لفظی مشترک فراخواند، برخی از آنان نزد او آمدند (مراغی، ۲۰۱/۳).

در آیات مذکور با بیان کلمات مدح آمیز و در آیاتی که در بخش بعـدی تحـت عنـوان ذم، ذکر می‌شوند، انسان را ترغیب به پرهیز از انجام عملی می‌نمایند. هر چند که این آیـات خود نوعی از کنش‌های گفتاری عاطفی هستند ولی عملکرد ترغیبی دارند.

افعال ترغیبی نهی نیز در مواضعی از آیات مربوطه بصـورت غیـر مسـتقیم بـرای بیـان کنش‌ها متفاوتی بکار رفته اند در آیه ۷۸ **"وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِـنْ بَعْـدِ مَـا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ"**، فعل نهی "لاتکونوا" برای تحذیر وجلوگیری از تفرقه در ادیان الهی می‌باشد که دارای کارگفـت تعهـدی و بطـور غیرمسـتقیم از کارگفـت ترغیبی استفاده شده است. بنابر خداوند مخاطبان را دعوت به این استدلال می‌کند کـه اگـر

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

همه به حبل الهی متوسل نشوند، دچار اختلاف می‌شوند (علامه طباطبایی، ۳۰/۱). اختلاف بر اساس ارزش‌های کاذب زمینی است که پایبندی آن‌ها بیشتر از پایبندی بـه دیـن بـود و نتیجه‌ای جز اختلاف ندارد، بنابراین آن‌ها در دنیا و آخرت با عـذاب زیـادی لعنـت شـدند (مغنیه، ۱۳۰/۲).

بسامد بالای کنش‌های ترغیبی در آیات مورد بحث نشان می‌دهد، این نوع کنش بـرای اهداف گوناگونی مانند تقریر، توبیخ، ارشاد، تحقیر، تهدید، اکرام، دعوت و... در قالب کـنش غیرمستقیم بکار رفته‌اند، چرا که یکی از بهترین روش‌ها بـرای کـنش‌هـای ترغیبـی، زبـان غیرمستقیم است. در حقیقت اینجا قرآن کریم انسان را وادار می‌کند تا بـه طـور مودبانـه و غیرمستقیم به تعاملی مسالمت‌آمیز با سایر ادیان دست بیابد.

استفاده از جملات گوناگون برای تشویق مومنین و انذار اهل کتاب است. چـرا کـه بـه نظر می‌رسد این شیوه مناسبی برای ایجاد و تحکم حکومت اسلامی می‌باشد. کارگفت‌هـای ترغیبی به طور مستقیم کمتر بکار رفته است؛ زیرا قرآن کریم از این طریق انسان‌هـا را بـه تعقل و تفکر دعوت میکند. تفکر موجب می‌گردد تا آیات را از لحاظ معنی و منظور روشن و واضح درک کرده تا شبهه و یا کج فهمی در انسان‌ها رخ ندهـد. در نهایـت میتـوان ادعـا نمود که کلام وحی مکالمه‌ای تعاملی بر پایه منطق و نظم استوار اسـت و مخاطـب را ابتـدا قانع و سپس هدایت می‌نماید.

۲-۳. کنش‌های تعهدی[1]

"هوانگ" کنش تعهدی را کنش گفتاری می داند که گوینده را متعهد به انجام کـاری در آینده می کند. قول دادن، پیشنهاد دادن، تهدید کردن و انکار کردن نمونه هایی از ایـن نـوع کنش گفتار هستند که در آن‌ها جهان خارج از طریق خـود گوینـده بـا وضـعیت مطلـوب منطبق می‌شود (Huang, 709).

این نوع از کنش در مواضعی از سوره آل عمران به صورت مستقیم و غیرمستقیم بـرای

1. Commissive

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

دلالت بر معانی و اغراض متفاوتی بکار رفته است. در آیه ۴ "**إنّ الّذین کفروا بآیاتِ اللّه لَهم عذابٌ شدیدٌ واللهُ عزیزٌ ذو انتقام**" کنش تعهدی این آیات به صورت مستقیم برای بیان تهدید و انذار اهل کتاب در برابر سرپیچی از دعوت انبیاء که همگی فراخوان یکتا پرستی داده اند، می‌باشد. و بعد از اتمام حجت و نزول آیات از سوی خداوند و گواهی فطرت و عقل بر صدق دعوت پیامبران، راهی جز مجازات نیست. بخش دوم آیه "**واللهُ عزیزٌ ذو انتقام**" تهدیدی هولناک برای کسانی که به نشانه‌های خدا ایمان ندارند، و اشاره‌ای است به جلوه و قدرت خدا و شدت عذاب و انتقام او برای اهل کتابی که از کتاب واقعی خدا منحرف شدند. این کتاب قبلاً برای آنها نازل شده بود ، بنابراین این انحراف باعث شد آنها کتاب جدید را انکار کنند (سیدقطب، ۳۶۹/۱). می‌توان گفت با توجه به این که آیات در مقام مناظره با مسیحیان صورت گرفته است، بنابراین با توجه به شرایط، لازم بود که عواقب نپذیرفتن فرقان بیان شود.

"بقاعی" در باره ارتباط این آیه با آیات پیش از خود می‌گوید: "این آیه جواب این سؤال مقدر است که اگر کسی نسبت به آنها کافر شد چه برخوردی با او خواهد شد؟ ذکر کافران و عذاب آن‌ها بعد از ذکر فرقان چقدر زیبا و نیکو است؛ چون باعث قوت دل و شادی مؤمنان و پایداری آن‌ها در راه حق می‌گردد" (بقاعی، ۲۱۵/۴).

گفتنی است که در تحلیل این آیات در این قسمت تلاش شده تا حد امکان کنش اصلی در نظر گرفته شود، اما در برخی موارد، یک آیه همزمان ممکن است دارای دو کنش گفتار متفاوت در نظر گرفته شده باشد. بخش ابتدایی آیه دارای کنش دیگری است که در قسمت‌های بعد به آن پرداخته خواهد شد. به عنوان مثال در آیه ۱۹ "**إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ**" با توجه به جمله شرطی "**مَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ**" و پایانه آیه در عبارت "**فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ**" کنش گفتاری این آیه تهدیدی است برای اهل کتابی که خداوند پاداش کفرناشی از لجاجت را سریع می‌دهد (فخررازی، ۱۴۳/۷).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

همچنین در پایانه آیه ۲۰: «فَإِنْ حَاجُّوکَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِیَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِینَ أُوتُوا الْکِتَابَ وَالْأُمِّیِّینَ أَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَیْکَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِیرٌ بِالْعِبَادِ» کنش گفتاری فعل وعده دادن به صورت غیرمستقیم در عبارت «وَاللَّهُ بَصِیرٌ بِالْعِبَادِ»، محقق شده، چرا که آیه از بندگان می‌خواهد که اسلام آورند و چه هدایت شوند و چه روی برگردانند، خداوند نسبت به اعمال همه بندگانش که دست پرورده خودش هستند، آگاه است. لازمه ربط میان این دو بخش این است که خداوند به هر کس چه تسلیم شوندگان او و چه اعراض کنندگان او قطعا وعده پاداش و مجازات می‌دهد (علامه طباطبایی، ۱۹۱/۳). افزون برآن می‌تواند نوعی تسلی برای پیامبرﷺ باشد که این اسلام نیاوردن این‌ها تقصیر تو نبوده، وظیفه تو فقط ابلاغ توحید به آن‌ها است. از این جهت نیز می‌تواند کنش غیرمستقیم عاطفی نیز محسوب شود. از این جمله مشخص می‌شود که خداوند می‌داند که این‌ها اسلام نمی‌آورند و ابلاغ پیامبرﷺ فقط برای اتمام حجت برآن هاست. بنابراین جدال و بحث با اشخاصی که منکر امور ضروری و بدیهی هستند، بحث معقولی نیست. در واقع استدلال یک تعامل است و عمل آن فقط در قالب تعامل انجام می‌شود (ابن‌عاشور، ۵۷/۳).

در آیه ۲۴ عبارت "ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَیَّامًا مَعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِی دِینِهِمْ مَا کَانُوا یَفْتَرُونَ" کنش تعهدی بصورت غیرمستقیم برای بیان تهدید و انذار اهل کتاب در برابر سرپیچی از دعوت پیامبرﷺ می‌باشد. اهل کتاب از ایجاد اختلاف در دین دست بر نمی‌دارند، چون هر گاه به ایشان پیشنهاد می‌شود که تسلیم حکم کتاب خدا شوند، زیر بار نمی‌روند و این به خاطر این است که به این گفتار خود مغرور شده‌اند، که می‌گفتند: "لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ"، به چیزی مغرور شدند که هیچ سندی بر آن ندارند، و آن را به خدا افترا می‌بندند (علامه طباطبایی، ۴۶۹/۳). یهودیان مدعی بودند، بجز زمان محدودی وارد دوزخ نخواهند شد. خداوند ضمن سرزنش آن‌ها در این آیات ادعای آن‌ها را رد می‌کند و وعده عذاب بیشتری را می‌دهد (ابن کثیر، ۲۳/۲).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

گفتنی است، مطابق آیه ۲۳، جرم این افراد به شدت جرم‌های دیگرشان در آیه مشابه آن یعنی آیه ۸۰ سوره بقره نیست. در این آیه جرم یهودیان عمل نکردن به حکم کتابشان و روی برتابیدن از آن است. بنابراین جرمشان کمتر از جرم یهودیانی است که در سوره بقره ذکر شده است. از این رو متناسب با گناه کمتر، انتظار عذاب شدن در آتش نیز برای آن‌ها کمتر است از این رو در این آیه عبارت "ایاما معدودات" ذکر شده است (سامرائی، ۴۱؛ الشتری، ۱۸۵).

و نیز همانگونه که پیش از این اشاره شد پایان آیه ۱۰۵: «**وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ**» کنش مستقیم در عبارت «**عَذَابٌ عَظِيمٌ**»، برای تهدید و وعده عذاب دادن به اهل کتاب هایی است که به سبب تبعیت از هوا و هوس به این سرنوشت محتوم دچار خواهند شد. می‌توان ذکر کرد که این آیات، جریان حوادث این پیشگویی قرآن و پیامبرﷺ را تصدیق کرد. چون زمان زیادی از رحلت رسول خداﷺ نگذشت که امت اسلام به مذاهبی گوناگون منشعب گشت (مغنیه، ۱۳۰/۲). مجموع کنش‌های صورت گرفته در قالب کنش تعهدی، جهت عبرت گیری مخاطب بیان می‌شود، تا اهل دسیسه و پوشاندن حقیقت نباشد و با تزکیه نفس به وحدت ادیان منجر شود.

۲-٤. کنش‌های عاطفی[1]

هدف کنش عاطفی بیان احساسات گوینده و بیانگر حالات روانی است (یول، ۵۳). در این نوع کنش، گوینده تلاش می‌کند تا جهان بیرون را با کلماتی که بیان می‌کند، مطابقت دهد و نه کلمات بیان شده را با جهان بیرون، بلکه صحت و حقیقت گزاره بیان شده، بدیهی و مسلم فرض می‌شود (Searle, 15).

در آیه ۲۳، عبارت «**أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ**» استفهام حقیقی نیست، چرا که غرض از آن شنیدن پاسخ یهودیان نیست. بنابراین مفهوم ضمنی که از این نوع استفهام قابل استنباط

1. Expressive act

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

است، سرزنش و مذمت یهودیانی است که الفاظ تورات را حفظ داشتند و درباره معانی آن نمی اندیشیدند. مغنیه بیان می‌کند پیامبرﷺ یهودیان را به که اوصافش در کتاب تورات موجود بود، ارجاع داد لکن آن‌ها اعراض کردند و با او به دشمنی برخاستند (مغنیه، ۶۲/۲).

در آیه ۵۵ «**إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ**» عبارت «**ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ**»، به واسطه قرائن متعدد، کنش توصیفی و فعل انجام گرفته پیش‌بینی آینده غلبه مسیحیّت بر یهود است و در عین حال نیز، البته شاید بتوان گفت، کارگفت استنباط شده از آیه، کنش عاطفی نیز باشد، چرا که خداوند در این آیه به مومنان و پیامبرﷺ نوعی تسلی داده است. کنش عاطفی بر محبت خداوند نسبت به کسانی که تابع عیسیؑ هستند، دلالت دارد. خدای تعالی نصارا را بر یهود تفوق و برتری خواهد داد (طبرسی، ۹۴/۴) که منظور از این برتری یا در حسن اخلاق و کمالات در ادب و دوری از امور باطل است و یا در این که حکم سیادت بر یهود داشته باشند (مراغی، ۱۷۱/۳). در واقع شاید بتوان گفت که آیه، شاهدی بر همدلی بیشتر اسلام با مسیحیان است.

در آیه ۶۹ «**وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ**»، جمعی از یهود با وجود آگاهی از به حق بودن نبوت پیامبرﷺ و شواهد مربوط به نبوت او در کتاب‌هایشان، برای گمراه کردن مسلمانان و ایجاد تردید در آن‌ها تلاش کردند (دروزه، ۱۷۰/۷).

گوینده به عنوان مقدمه، مطالبی را گوشزد می‌کند و سپس در آیه ۶۹ از مومنان می‌خواهد که فریب ظواهر دشمن را نخورند. ظاهر این آیات به ملاحظه فعل هایی که در آن بکار رفته، کار گفت ترغیبی از نوع توبیخی، سرزنشی خواهد بود. چرا که خداوند اهل کتاب را مورد سرزنش قرار داده است و اما علاوه بر آن دارای کنش عاطفی است زیرا به مومنان نیز نوعی دلداری داده است «**وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ**» نگران نباشید که مکرشان به خودشان برمی گردد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

در آیه ۱۱۳ «لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ ...»، سخن در باره تقسیم شدن اهل کتاب به مومن و غیر مومن است و صفات خوب گروهی از اهل کتاب را بیان می دارد که از روی خلوص انجام می‌دهند که عبارت است از قیام به اطاعت خدا، تلاوت کتاب آسمانی، سجده، امر به معروف و نهی از منکر و سرعت در کارهای خیر "شاید همین اعمال، بیانگر "حبل اللّه" در آیه قبل باشد (علامه طباطبایی، ۵۹۶/۳). توصیف موجود در آیات از شکوه و عظمت بسیاری برخوردار است. و نشانگر آن است که کسانی از اهل کتاب که به پیام محمدی اعتقاد داشتند. با اعمال نیک و اخلاق در سایه دین جدید به خدای متعال نزدیک شدند (دروزه، ۲۱۶/۷). کنش عاطفی و توصیفی فعل مدح انجام شده به سبب این که هدف از بیان آن این است که همه اهل کتاب ناشایست نیستند و در عین حال امید به اهل کتاب هم هست که اگر اینگونه باشند، ملاک دین نیست، بلکه رفتار شایسته و تحت لوای توحید بودن است. آیات متعددی در قرآن ذکر شده است که حاوی نکاتی ارزشمند در معرفی انسان‌های مؤمن اهل کتاب می باشند که می‌توان آن‌ها را بیانگر مبانی ارتباطی با ایشان دانست. چه بسا این آیات اشاره به این نکته باشد که اصل این معنویت و زهد بسیار با ارزش است، فارغ از این که اهل کتاب باشد یا مسلمان.

همچنین در آیه ۱۸۴: «فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ» با توجه به اهداف این جمله، مشخص می‌شود که در این آیه کنش گفتاری از نوع عاطفی و فعل گفتاری انجام شده، تسلی است. در آیات قبل خداوند به دو اشکال تراشی یهودیان اشاره می‌کند اول این که آنان برای رد درخواست پیامبرﷺ برای پرداخت زکات و انفاق کردن، می‌گفتند مگر خداوند فقیر است که نیاز به بذل مال ما باشد؟ خداوند جواب آن‌ها را با وعده عذاب سوزان در روز قیامت می‌دهد. دوم این که یهودیان برای ایمان نیاوردن به پیامبر اسلامﷺ بهانه دیگری آوردند و این که خداوند از ما عهد گرفته به پیامبر دیگری ایمان نیاوریم مگر این که معجزه‌ای بیاورد. در جواب این بهانه تراشی، خداوند تکذیب انبیاء و کشتن آن‌ها توسط یهودیان علی رغم داشتن معجزه را متذکر

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

می‌شود و در ادامه آیه مورد بحث ذکر می‌شود که اگر تو را تکذیب می‌کنند ناراحت نباش که پیامبران قبلی را نیز با وجود داشتن معجزات وکتب آسمانی تکذیب کردند. این آیه بنا بر روایات سبب نزول، در حق یهودیانی نازل شد که در حقانیت رسالت پیامبر اسلامﷺ تشکیک می‌کردند (ابوحیان، ۴۵۳/۳). بنابراین از آنجا که برای دلداری پیامبرﷺ صرف اشاره کردن اجمالی به اتفاقات گذشته کافی بوده، دیگر نیازی به تاکید، ذکر فاعل و آوردن فعل مضارع نبوده است (سامرائی، ۱۵۸). گویا خداوند با این جمله در ادامه جملات قبلش و همچنین در امتداد جمله بعد در صدد تسلی به پیامبرش است که اگر چه یهودیان انبیاء قبل را کشتند و تو را اذیت و آزار رساندند و تکذیب کردند، ولی همه انسان‌ها خواهند مرد و عوض اعمالشان را در قیامت خواهند دید «**كلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ**...» (آل عمران، ۱۸۵).

کارگفت‌های ترغیبی و عاطفی بالاترین بسامد را در آیات مورد بحث داشته‌اند و سایر کارگفت‌ها در رتبه‌های کمتر از لحاظ بسامد هستند. در واقع قرآن کریم از همان آغاز نزول در پی جلب مخاطبان بوده است تا آن‌ها را برای رسیدن به مقصد نهایی خلقت یعنی رستگاری هدایت کند. بنابراین برای اقناع مخاطبان و ایجاد رابطه با آنان از روش‌های مختلفی استفاده کرده است. گاه از باب موعظه و دعوت وارد شده است، گاه از باب امر و نهی، گاه از باب تنبیه و گاه از باب مدح او را به رستگاری سوق می‌دهد. خداوند در همه این نمونه‌ها، قصد نفوذ در وجود مردم را دارد تا تأثیرگذاری کلامش را از طریق کنش‌های ترغیبی و عاطفی در مخاطب بیشتر کند.

۲-۵. کنش‌های اعلامی[1]

کنش اعلامی، اظهاراتی است که براساس آن تغییری در جهان خارج و وضعیت مخاطب ایجاد می‌شود، البته به شرط اینکه گوینده دارای نقش اجتماعی خاص و شرایط لازم برای ایجاد آن تغییر را داشته باشد (آقا گل‌زاده، ۱۴۱). این نوع کنش ممکن است

1. Declarative

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

دارای معانی مستقیم همانند توصیف کردن یا خبر دادن باشد و یا ممکن است بصورت غیر مستقیم بر مدح کردن، وعده دادن، هشدار دادن، دعا و ... دلالت داشته باشد. بیان اخبار پیامبران، چگونگی ابلاغ رسالت، سرگذشت امت‌های پیشین، نمونه‌های از کنش‌های اعلامی در قرآن محسوب می‌شوند.

همانگونه که پیش از این بیان شد، در آیه ۱۹ علاوه بر آن که کنش تعهدی در پایانه آیه نمود دارد، در عین حال در ابتدای آیه عبارت «**إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ**»، بیانگر کنش اعلامی نیز می‌باشد.خداوند در این آیه با به کارگیری کارگفت اعلامی، حکم الهی ادیان را برای مخاطبان اعلام می‌کند. بر این اساس، تنها دین قابل قبول "اسلام" به معنای لغوی آن یعنی توحید است (علامه طباطبایی، ۱۸۹/۳) و مخاطبان در این آیه به ایمان آوردن به پیامبرﷺ و منع از چند خدایی و شریک قائل شدن برای خدا سفارش شده اند (ابن کثیر، ۲۱/۲). این جمله تأییدی برای جمله قبل است.: عبارت «**لا إِلهَ إِلَّا هُوَ**» به معنی توحید است ، و عبارت: «**قائِماً بِالْقِسْطِ**» به معنی عدالت است و پس از آن گوینده عبارت: «**إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ**» ذکر کرد و اعلام کرد که اسلام، عدالت و توحید است (زمخشری، ۳۴۴/۱).

این آیه، با ارائه تعریفی از دین با تأکید بر عنصر مقوم آن یعنی تسلیم محض در برابر خدا این امکان را فراهم می‌آورد تا اهل کتاب با مقایسه بین اعتقادات و باورهای خود از دین در مقام "تحقق" با دین در مقام تعریف، میزان انطباق بین دین و دینداری خود را ارزیابی کنند، تا با اطلاع از عدم انطباق بین این دو حوزه، به انحراف خود از خط اصیل دین واقف شوند. در نتیجه باید گفت: تفاوت بین مقام تعریف و تحقق و اقتضای شرایط برای بازنگری مجدد به تعریف دین است که استعمال معنای لغوی "اسلام" در آیه را تأیید می‌کند (طبری، ۱۱۲/۵).

افزون بر آن، آیه درصدد تأکید بر وحدت دین یعنی وجود تنها یک دین و نفی دین‌های مختلف و متعدد است، هر چند در طول تاریخ بشر، ادیان الهی بزرگی چون یهودیت، مسیحیت و اسلام ظهور کردند و این حادثه نه تنها یک اصل پذیرفته شده تاریخی است،

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

بلکه قرآن نیز آن را مورد تأیید قرار داده است. با این وجود وحدت منظور با کثرت موجود با هم قابل جمع اند، به این صورت که جوهره اصلی ادیان که از آن تحت عنوان "تسلیم محض در برابر خداوند" یاد می‌کنند، ذهن کنشگر را به سمت این نکته سوق می‌دهد که آنچه مورد نظر آیه است، اصل دین یا همان قدر مشترک میان تمام ادیان است.

همچنین در آیه ۹۳: «كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلًّا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَاةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَاةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»، با توجه به آیه ۹۲ آل‌عمران می‌توان گفت که یعقوب محبوبترین خوراکی‌ها را برای اطاعت خدا ترک کرد. انفاق یعنی در اطاعت خدا از هر آنچه دوست داری بگذری و این آیه به آیه ۱۹ بقره و آیه ۸ سوره انسان مرتبط است (ابن کثیر، ۶۶/۲). سید قطب همراهی حلیت طعام با انفاق در آیه ۹۲ آل عمران را دال بر این نکته می‌داند که شریعت الهی دارای کلیتی منسجم و کامل است و در نتیجه بین اعتقاد و عمل در آن فرقی نیست و همه این‌ها با هم دین کامل را می‌سازد (سیدقطب، ۸۴۱/۲). به همین جهت آیه طعام یهود می‌تواند تفصیل اجمال آیهٔ قبل که ترغیب به انفاق داشته‌های محبوب و از جمله طعام می‌باشد. و چون در سیاق موضوع انفاق برای اطاعت از خداوند و فرستاده اش قرار گرفته است. در اینجا مدعیان دروغگو مشخص می‌شوند.

مفسران آراء مختلفی در بیان مراد این آیه ارائه کرده‌اند. برخی معتقدند که این آیه در مقابل اعتراض یهود بر نسخ و برای اثبات آن است، چون هر طعامی حلال بوده و پس از نزول تورات حرام گردیده، پس احکام نسخ شدنی است (علامه طباطبایی، ۵۳۷/۳). برخی مفسران معتقدند این آیه شریفه تشویق به "بر" است زیرا محور احکام اسلام "بر" است و خطاب به یهود که "اگر شما در تمام موارد فوق صادق هستید و به گفته شما که ابراهیم از دین یهودیت بوده است، پس چرا از آوردن تورات ابا می‌کنید" (ابن عاشور، ۶۵۵/۳). مفسران در این آیه کمتر به تبیین معانی ضمنی که نشان دهنده تبیین منظور گوینده است و همچنین به لحاظ نوع فعل گفتاری انجام گرفته، پرداخته‌اند.

قرآن کریم بارها به موضوع طعام و حلیت و حرمت آن توجه کرده است. موضوع خوراکی‌ها

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

و خوردن، موضوعی ذو ابعاد است که طرح آن در قرآن کـریم بـا موضـوعات و مفـاهیم مختلـف درآمیخته است و البته در این میان، مفهوم توحید و نبوت پیامبر اسلام و نیـز برگزیـدن و تبعیـت از امام و مقتدا، از اصلی‌ترین مفاهیمی است که با این موضوع پیوند خورده است.

کنش گفتاری از جمله مورد بحث، از نوع اعلامی بوده که امضا شدن حکم الهی دربـاره همه طعام‌ها را نشان می‌دهد و بیان حکم دسته دوم از عمل نکنندگان بـه احکـام الهـی در پاره گفت: «**فَأْتُوا بِالتَّوْرَاةِ فَاتْلُوهَـا**»، علیرغم اینکه ظاهر جمله امری است ولی امری محقق نشده،علاوه بر آن به جهت پایانه آیه «**إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ**»، به صورت خبری درک می‌شـود یعنی "چون این کار را نمی توانیـد انجـام دهیـد، بـه خـدا اتهـام دروغ زدیـد"، کارگفـت غیرمستقیمی از نوع کنش عاطفی توبیخی محقق شده است که خداونـد بـه عنـوان مـذمت کننده اهل کتاب به نظر می‌آید.

در خصوص آیات اعلامـی، نتـایج تحقیق نشان داد که درآیه‌هـای مربوطـــه، بســـامد میـزان وقـوع ایـن نـوع کارگفت بسیار کم است.

گفتنی است، یکی از مسائل برون بافتی و توجه به بافت موقعیت خصوصـیات گوینـده گفتمان است. در خوانش متن مقدسی مانند قرآن باید در نظر داشت کـه از نظـر مسـلمانان کسی که این کنش‌های گفتاری را ایجاد می‌کند، متفاوت از بشر عادی است برای مثـال، در کنش اعلامی هنگامی که گوینده خدا است، اعتبار حکـم جـاری شـده خـارج از گوینـده نیست، در واقع اعتبار حکم از سرچشمه کلام ناشی می‌شود و صـدور و تحقـق اعتبـار آن مشروط به هیچ شرکت خارجی نیست و نقض آن هم تنها بـه وسـیله خـود گوینـده یعنـی خداوند میسر است (حسینی، ۷۵). این تفاوت در تفسیر کنش اعلامی باید در تفسیر متـون دینی مورد نظر قرار گیرد. همچنین باید در نظر داشت که صحبت کردن از احساس تنفر یـا محبت در کنش‌های عاطفی که از سوی خداوند، با آن‌چه در انسان‌ها سراغ داریم، متفاوت است، زیرا باورهای کلامی خداوند فاقد این عوارض و احساسات است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

جدول (۱): کنش‌های گفتاری مستقیم و غیرمستقیم در آیات مرتبط به تعاملات اجتماعی با اهل کتاب در سوره آل‌عمران

آیه	پاره گفتار	بار مضمون در گفتار	
		مستقیم	غیرمستقیم
۳	نَزَّلَ عَلَیکَ الکِتَابَ بَالحَقِّ مُصَدِّقاً ...	کنش اظهاری (آگاهی بخشی)	–
٤	... اللَّهُ عَزِیزٌ ذُو انْتِقَامٍ	کنش تعهدی (انذار)	–
۱۹	إِنَّ الدِّینَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ	کنش اعلامی (حکم)	–
	وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتَابَ .... بَغْیًا بَیْنَهُمْ	–	کنش ترغیبی (منع)
	وَمَنْ یَکْفُرْ بِآیَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِیعُ الْحِسَابِ	–	کنش عاطفی (تسلی)
۲۰	.... واللَّهُ بَصِیرٌ بِالْعِبَادِ	–	کنش تعهدی (وعده)
۲۳	أَلَمْ تَرَإِلَی الَّذِینَ أُوتُوا نَصِیبًا		کنش ترغیبی (مذمت)
۲٤	..... لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَیَّامًا مَعْدُودَاتٍ	–	کنش تعهدی (تهدید)
٥٥	..... ثُمَّ إِلَیَّ مَرْجِعُکُمْ	–	کنش عاطفی (تحبیب و تسلی)
٦۱	.... لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَی الْکَاذِبِینَ	–	کنش ترغیبی (اقناع)
٦٤	..... تَعَالَوْا إِلَی کَلِمَةٍ	کنش ترغیبی (امر)	–
٦٥	..... أَفَلَا تَعْقِلُونَ	–	کنش عاطفی(توبیخ)
٦۹	وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْکِتَابِ لَوْ یُضِلُّونَکُمْ وَمَا یُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا یَشْعُرُونَ	–	کنش عاطفی (توبیخ)
۷٥	مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِقِنْطَارٍ یُؤَدِّهِ إِلَیْکَ وَمِنْهُمْ ... بِدِینَارٍ لَا یُؤَدِّهِ إِلَیْکَ	–	کنش ترغیبی (مدح)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

۷۸	وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَاب	–	کنش ترغیبی (تحذیر)
۸۲	..... فَأُولَئِکَ هُمُ الْفَاسِقُونَ	–	کنش ترغیبی (هشدار)
۹۳	كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلًّا	–	کنش اعلامی (حکم)
	.....إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ	–	کنش عاطفی (توبیخ)
۹۹	..... لِمَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ	–	کنش عاطفی (توبیخ)
۱۰۵	وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا	–	کنش ترغیبی (نهی)
	.... عَذَابٌ عَظِيمٌ	کنش تعهدی (پیش‌بینی)	–
۱۱۳	لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ	کنش عاطفی و توصیفی (مدح)	–
۱۸٤	فَإِنْ كَذَّبُوکَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِکَ	–	کنش عاطفی (تسکین)

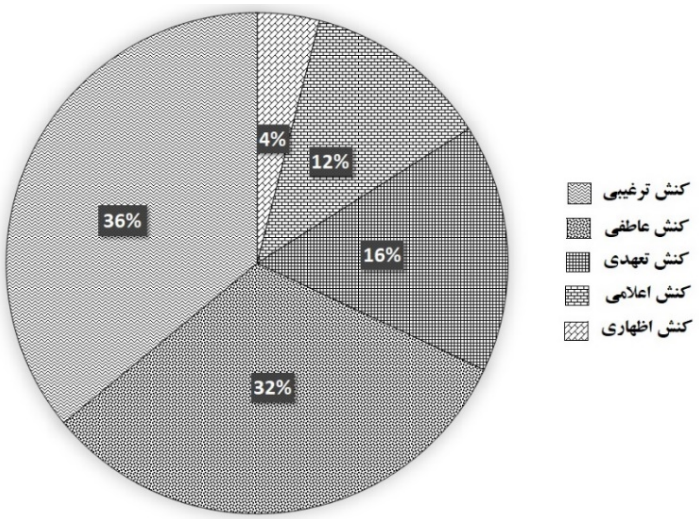

درصد فراوانی کنش‌های گفتاری مستقیم و غیرمستقیم در
آیات مرتبط به تعاملات اجتماعی با اهل کتاب در سوره آل عمران

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

نتیجه مقاله

براساس تحلیل آیاتی از سوره آل عمران مشخص شد که با تأمل در شرایط بافتی این آیات و قرائن لفظی و غیرلفظی می‌توان تفاوت معناداری به لحاظ کارگفتی و نوع فعل انجام گرفته میان این آیات با سایر آیات مرتبط به تعاملات اجتماعی اسلام با اهل کتاب در سوره‌های دیگر پیدا کرد.

– این بررسی نشان می دهد که از میان کنش‌های پنج‌گانه سرل، بسامد کنش های ترغیبی و عاطفی در آیات تعاملات اجتماعی با اهل کتاب در سوره آل‌عمران در لایه غیرمستقیم بیشتر است و کنش تعهدی، اعلامی و اظهاری در مراتب پایین تر قرار دارند. این موضوع می‌تواند نشان دهندهٔ اهمیت جنبهٔ اوامر و نواهی و تحسین و تمجید از نیکوکاران و نیز توبیخ و سرزنش و تحقیر و استهزاء نااهلان اهل کتاب باشد و همینطور بشارت و انذار و وعده وعید به مؤمنان و معاندان اهل کتاب و بیان ثواب‌ها و عقاب هایی که در انتظار ایشان است. افزون بر آن چون مخاطبان قران در این آیات اهل کتاب هستند گوینده سخنان خود را به صورت در خواست، توصیه و نکاتی که برای تشکیل جامعه واحد دینی لازم است را بیان نموده. اهداف ترغیبی و تشویقی در آیات مورد بحث بیشتر به صورت غیرمستقیم بیان گردیده است. زیرا انسان‌ها را به تعقل و تفکر دعوت می‌کند تا آیات را از لحاظ معنی و منظور روشن و واضح درک عقلانی کرده تا شبهه و یا کج فهمی در انسان‌ها رخ ندهد. تنوع ترغیب‌ها در قرآن کریم نشانه چند بعدی و چند معنایی قرآن کریم و استفاده از جملات گوناگون برای تشویق مومنین و انذار اهل کتاب است.

– همچنین نمونه‌هایی از احکام انشایی خداوند در تحریم و حلّیت سبب افزایش کنش تعهدی در این سوره شده است که همه این موارد حکایت از یکسان بودن ادیان توحیدی و بالا بردن پرچم یکتاپرستی و توحید تحت نبوت پیامبرﷺ و ولایت ائمه معصومعلیهم‌السلام می‌باشد.

– از جمله نتایج دیگر، کارایی رویکرد کارگفتی به پایانه‌های آیات است. بررسی آیات قرآن با نگاه کارگفتی می‌تواند به استخراج فعل‌های گفتاری متنوع از عبارت‌های یکسان

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

شده و در مواردی موجب تبدیل شدن آیه‌ای از حالتی مانند انذار و تهدید به تسلی و دلداری شود.

– بازخوانی آیات مرتبط به تعاملات اجتماعی با اهل کتاب در سوره آل‌عمران با هدف دستیابی به گفتمان قرآن و خوانشی نو از آیات مورد بحث سوره با استفاده از رویکردهایی مانند نظریه کنش گفتاری این امکان را به محقق می‌دهد تا از زوایای گوناگون به مسئله پژوهشی خود بنگردد و زوایای ناپیدای متن را واکاوی کند.

– خداوند در سوره آل‌عمران در آیات مرتبط به تعاملات اجتماعی با اهل کتاب به عنوان متکلم، فراتر از معناشناسی و معناهای بالقوه ایی که در الفاظ و عبارات وجود دارد، به دنبال ایجاد تأثیر و عبرت گرفتن در مخاطب است و از آنجا که مخاطب او انسان است که دارای عقل و اختیار و جویای کمال و پیشرفت است، با بیان سرگذشت پیشینیان (جنگ‌ها، تاریخ پیامبران، تعاملات بین ادیان و ذکر احکام) به دنبال هشدار و بیم و تشویق در مخاطبان خود، به اعتصام همگانی به حبل متین الهی و تشکیل جبهه اتحاد منطقه‌ای بین امّت اسلامی و نصارا و یهود، به باور کردن توحید و نفی رژیم ارباب و رعیتی و تعامل فرهنگی متقابل است و همینطور بیان می‌کند که در صورتی‌که پا در جای پای گذشتگان قرار دهید، به سرنوشت آن‌ها مبتلا خواهید شد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. آقاگل‌زاده، فردوس، فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۹۲ش.
۳. ابن عاشور، محمدبن طاهر، التحریر و التنویر، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۴م.
۴. ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویه، تحقیق: مصطفی سقا، مصر، مصطفی البابی الحلبی، ۱۳۷۵ق.
۵. ابوحیان، محمدبن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۶. الشتری، صالح به عبدالله، المتشابه اللفظی فی القران الکریم و اسراره البلاغیه، مدینه مجمع‌الملک فهد لطباعه المصحف الشریف، ۱۴۲۵ق.
۷. بقاعی، ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الایات و السور، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۹ .
۸. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوارالتنزیل و اسرارالتاویل، جلد دوم، بیروت، احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۹. پهلوان نژاد، محمدرضا و رجب‌زاده، مهدی، تحلیل متن شناسی زیارتنامه حضرت امام رضاؑ بر پایه نظریه کنش گفتار، جستارهایی در فلسفه و کلام (مطالعات اسلامی)، دوره ۴۲، شماره ۸۵/۲، ۱۳۸۹.
۱۰. حسینی، رادمهرد، تاثیر بافت زمانی- مکانی بر تحلیل کنش گفتار، دو ماهنامه جستارهای زبانی، دوره ۶، شماره ۳، ۱۳۹۴ش.
۱۱. حوّی، سعید، الاساس فی التفسیر، قاهره، ۱۴۰۵ق.
۱۲. خامه‌گر، محمد، روش استنباط گزاره‌های علمی از ساختار سوره‌ها، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۷، ۱۳۸۸ش.
۱۳. خدایاری، نومحمد، عبداللهی، حسن، زیباشناسی تناسب معنایی در سوره آل عمران، رهیافتهایی در علوم قرآن و حدیث، شماره ۹۹، ۱۳۹۶ .
۱۴. دروزه، محمد عزه، التفسیر الحدیث، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۳ق.
۱۵. زارع، آمنه و برزگر، سحر، تحلیل متن شناسی سوره بقره براساس نظریه کنش گفتار، اولین کنفرانس ملی آموزش زبان انگلیسی ادبیات و مترجمی، موسسه بین المللی آموزشی و پژوهشی خوارزمی و تحت حمایت سیویلیکا، شیراز، ۱۳۹۲ش.
۱۶. زمخشری، محمودبن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و ...، تهران، نشر ققنوس، ۱۳۸۹ش.
۱۷. سامرایی، فاضل صالح، التعبیر القرآنی، عمان، دار عمار، ۱۴۲۷ق.
۱۸. سرل، جان راجرز، افعال گفتاری، جستاری در فلسفه زبان، ترجمه: محمدعلی عبداللهی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵,
۱۹. سعیدی روشن، محمدباقر، زبان قرآن و مسایل آن، تهران، سمت، ۱۳۸۹ش.
۲۰. سید قطب، سیدبن قطب بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، چاپ هفدهم، بیروت – قاهره، دارالشروق، ۱۴۱۲ق.
۲۱. صانعی‌پور، محمدحسن، مبانی تحلیلی کارگفتی در قرآن کریم، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰ش.
۲۲. صفوی، کوروش، از زبان شناسی به ادبیات، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۰ش.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، جلد سوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۴,
۲۴. طبری، ابوجعفر محمدبن جریر، جامع البیان فی تفسیرالقرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۲۵. فخررازی، محمدبن‌عمر، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۶. فضل الله، محمدحسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دارالمللک للطباعه و النشر، ۱۴۱۹ق.
۲۷. قرطبی، محمدبن احمد، الجامع‌لاحکام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۸ش.
۲۸. لسانی فشارکی، محمدعلی، مرادی زنجانی، حسین، سوره شناسی، تهران، انتشارات نصایح، ۱۳۹۴ش.
۲۹. مدرسی، محمدتقی، علوم اقرآن الکریم، بیروت، دارالقاری، چاپ دوم، ۱۴۲۹ق.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

۳۰. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، چاپ سوم، نشر مصطفی البانی المجلسی، ۱۳۸۲ش.
۳۱. مغنیه، محمدجواد، الکاشف، قم، دار الکتاب، ۱۴۲۴ق.
۳۲. یعقوبی، ابن واضح، تاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۳۷۹ق.
۳۳. یول، جورج، کاربردشناسی زبان، ترجمه: محمد عموزاده و منوچهر توانگر، سمت، ۱۳۸۷ش.
34. Austin, J.L., How to Do Things with Words? The William James Lectures Delivered at Harvard University ,Harvard University Press, 1970.
35. Chapman, Siobhan, Pragmatics. London: Red Globe Press, 2011.
36. Huang, Y., Speech Acts, In Brown, K.Y A. Barber & R. J. Stainton (eds.) Concise Encyclopedia of Language and Linguistics. Oxford, Elsevier Ltd, 2006.
37. Searle, J. R., Speech Acts: An in the Philosophy of Language, 1999.
38.Vershueren, J., Understanding Pragmatics. London: Arnold. York and Melbourne: Cambridge University press, 2003.
39.Yule, G., Pragmatics. New York, Oxford University Press, 1996.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-17]